

## طراحی فضاهای شهری در جهت بهبود تعاملات اجتماعی و انسانی

### سید محمدرضا شهابی

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران  
Mohamadrezashahabi2015@gmail.com

### رسا صفائی نمین

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران  
Rassasafaei11@gmail.com

### فائزه سعیدی

دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران  
faezeh96saeidi@gmail.com

### فرزاد تات شه دوست

دانشجوی دکترای مهندسی برق کنترل دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار  
farzadtat1992@gmail.com

### رسول صفائی نمین

دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز  
drs.rasoulrassa@gmail.com

### چکیده

اندیشمندان و طراحان مفهوم تعاملات اجتماعی را قوام دهنده ی روابط متقابل انسانی نام نهاده اند. هدف و انگیزه انسان ها از ارتباط با یک دیگر در اندیشه های برخی متفکران، تحت این دو موضوع قابل بررسی است: ۱- درونی شدن هنجارها؛ ۲- همبستگی محدود. بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود اینست که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. علاوه بر این، فضاهای باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک می کرده و باعث افزایش حس همبستگی و تعلق در مردم می شوند. در حقیقت این فضاها فراتر از مکانی صرفاً بتراى حضتور منفعلانه هستند. پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی بوده و به بهبود تعاملات اجتماعی و انسانی به فضاهای شهری کمک شایانی کرده. فضاهای عمومی زیرمجموعه ای از فضاهای شهری محسوب می شوند که وجه اشتراک مهم آنها تعاملات اجتماعی افراد می باشد که ضرورت شکل گیری تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی بر اساس سیاست های نوین شهرسازی در جهت افزایش امنیت و اعتماد عمومی می باشد. عرصه های عمومی فضاهای شهری تاثیر بسزایی بر حالات روحی و تعاملات اجتماعی افراد دارند.

واژگان کلیدی: تعاملات اجتماعی، فضاهای شهری، مکان، طراحی، کارکرد

## مقدمه

در بررسی رابطه انسان و محیط، شناخت عناصر کالبدی، ویژگی های محسوس محیط و معانی و پیام های برخاسته از آن حائز اهمیت است. شناخت بهتر محیط زمانی ارزش بیشتری می یابد که علاوه بر بررسی عناصر و ویژگی های کالبدی محیط، معانی و مفاهیم برخاسته از آن و ادراکات کنشگران نیاز مورد واکاوی قرار گیرد. حس مکان، به معنای دریافت ویژگی های معنایی محیط و شخصیت مکان توسط استفاده کنندگان از محیط می باشد. حسی که توسط ادراک ذهنی مردم از محیط و دریافت احساسات آگاهانه یا ناآگاهانه آنها از محیط دریافت شده و استفاده کننده را در ارتباطی تنگاتنگ با محیط قرار می دهد. حس مکان، موجب ایجاد حس رضایتمندی در استفاده کننده شده و با یادآوری فرهنگ یا تاریخ یک اجتماع و یا تجارب ذهنی گذشته فرد، بر مفهوم هویت تاکید کرد و کیفیت فضای ساخته شده را برای مخاطب ارتقاء می بخشد. (رضویان و همکاران، ۱۳۹۳) تعلق مکان به عنوان پیوندی مؤثر که مردم با قرارگاه های مکانی برقرار می کنند تعریف می شود، جایی که آن ها تمایل به ماندن دارند و جایی که آنها احساس راحتی و امنیت دارند. توآن مکان را فضایی تعریف میکند که معنادار شده است؛ آنچه که به عنوان فضای نامتمایز است، هنگامی که آن را بهتر بشناسیم و به آن ارزش عطا کنیم، به مکان تبدیل می شود. تعلق به کار رفته در این زمینه میتواند به عنوان رابطه ای عاطفی بین مردم و چشم انداز تعریف شود، که فراتر از شناخت، رجحان یا قضاوت می رود. احساس تعلق مفهومی است که در مرحله توصیف، به ابعاد و عوامل تشکیل دهنده آن قابل تجزیه است، اما در مرحله ادراک، درکی کلی از محبت و عاطفه نسبت به مکان است که شاید حتی برای شخص قابل وصف و بیان نباشد. تعلق مکان پیوندی است بین یک فرد یا گروه و مکان، که بر اساس سطح فضایی، درجه اختصاصی بودن، و ویژگی های اجتماعی یا کالبدی مکان، متغیر است و از طریق احساس، شناخت، و فرایندهای روانشناسانه رفتاری، آشکار می گردد. (سیاوش پور و همکاران، ۱۳۹۳) با توجه به اینکه امروزه فضای شهری کارکردی اجتماعی دارد، وجود فضاهای عمومی شهری، ضرورتی اساسی در برنامه های توسعه شهری هستند که این امر حکایت از نقش این فضاها در تقویت وجه فرهنگی-اجتماعی شهر دارد. (حبیب و همکاران، ۱۳۹۱) با افزایش زندگی مدرن شهری و احاطه شدن شهرها با نمای برج ها و ساختمان ها و رواج فرهنگ بی تفاوتی مدنی، شهرنشینان را با مشکلاتی نظیر انزوای طلبی و کاهش تعاملات اجتماعی میان افراد روبه رو کرده است. به همین دلیل، مردم به مکان هایی احتیاج دارند تا در آن به تعاملات اجتماعی و رفع نیازهای روانی خود بپردازند اما رشد شهرها باعث بی توجهی به عرصه های عمومی بستر ساز تعاملات اجتماعی شده اند. (لطفی و سجاد زاده، ۱۳۹۳) بنابراین فضای شهری بستر شکل گیری و تقویت ارتباطات اجتماعی در جهت برقراری حس امنیت و اعتماد در فضای عمومی است و از طرفی دیگر مکانی مهم برای شکل گیری مراسم آیینی است که کمک شایانی به برقراری روابط اجتماعی و زندگی جمعی می کند. حضور مثبت افراد در این فضاها، حس تعلق و روحیه تعاون را افزایش می دهد. انسان در فضای شهری به دنبال مکانی جهت آسودن، آزادسازی فشارهای روحی-روانی و تعاملات اجتماعی است. (قلمبردزفولی و نقی زاده، ۱۳۹۲) از دیدگاه توماس کوهن فضای شهری را میتوان بستری محاط شده به وسیله عناصر شهری دانست که در آن روابط و فعالیت های اجتماعی متبلور شده و شکل می یابند. اسموند در سال هزار و نهصد و شصت و شش نخستین بار واژه های فضای مردمگریز و مردمگرا را مطرح نمود. به زعم وی فضاهای شهری مردمگرا فضاهایی هستند که مردم را دور هم جمع مینمایند و برعکس آن فضاهای شهری مردمگریز، مردم را از هم دور میکنند. (شجاعی و پرتوی، ۱۳۹۴)

## روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و اسنادی بوده و به روش کتابخانه ای و با استفاده از کتاب ها، مقالات و پایگاه های معتبر علمی و پژوهشی داده های آن فراهم شده است

## مبانی نظری

### فضاهای عمومی

ما فضاهای عمومی را بخشی از فضاهای موجود در شهر میدانیم که محدود به لفاف فضایی شهر بوده و حضور در آن برای عموم شهروندان آزاد است؛ چنین فضایی متولی و مالک شخصی نداشته و شهروند برای تردد در آن متحمل پرداخت هزینه نخواهد شد. برخی از صاحبانظران معتقدند این فضاها در پی بروز بحران‌های اجتماعی و شهری (بی معنا شدن ارزشها، انزوا طلبی گروه‌های اجتماعی و خشونت‌های رفتاری) در اروپا از سال ۱۹۸۰ مورد توجه قرار گرفت. طراحان معتقد بودند این فضاهای عمومی موجب تشویق روابط اجتماعی و توسعه احساس تعلق به مجموعه‌ای مشترک برای شهروندان خواهد شد. (منصوری و حبیبی، ۱۳۸۹)

فضاهای عمومی فضاهایی هستند که افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی در آن سهیم اند، این فضاها محل تبادل افکار و اطلاعات و مکانی برای شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی هستند. (کشی و همکاران، ۱۳۹۱) چنین فضاهایی بیش از آنکه تنها یک فضا باشند یک تجربه اند که نتیجه چنین تعامل و تجاربی در میان افراد و گروه‌های مختلف، دریافت حس هویت جمعی، عزت نفس، ارتقاء مهارت‌های جمعی و مشارکت اجتماعی خواهد بود. چنین تعبیر و تفسیری از فضاهای عمومی در رابطه با حباب اجتماعی انسانها از ارسطو تاکنون همواره مورد توجه شهرسازان و نظریه پردازان شهری بوده و هست. (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶) فضاهای باز عمومی، چنان که لینچ بیان میکند امکان انگیزش و انتخاب آزاد میان رفتارها، حرکتهای و اکتشافات بعدی را برای تعداد معنیداری از مردم و شهروندان فراهم می‌آورد؛ در فضاهای عمومی فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شده و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع پیوسته و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط پیدا کنند. (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲)

کارمونا فضاهای عمومی امروز را به عنوان قلمروهای عمومی می‌داند که این قلمروها به "مکان و محیط زندگی اجتماعی" بعد اجتماعی به این که مردم چگونه از فضا استفاده میکنند برمیگردد، رابطه بین فضا (Carmona et al, 2003) اطلاق می‌شود. و بستر اجتماعی آن به صورت یک فرایند دو طرفه است که در آن مردم و جوامع فضاها را به وجود آورده و تغییر میدهند؛ در حالی تعاملات اجتماعی میتواند در فضا شکل بگیرد و همچنین. که این مردم خود به طرق مختلف تحت تاثیر این فضاها قرار دارند. تعاملات (Carmona et al, 2003) توسط شکل فضا مورد تهدید قرار گیرد و یا فضا واسطه‌ای انجام برقراری روابط اجتماعی گردد. اجتماعی در کاملترین تعریف خود، در فضاهای شهری به منصفی ظهور می‌رسند، از این رو میتوان فضای شهری را مکان ظهور تعامل اجتماعی قلمداد نمود و اینچنین است که فضای شهری علاوه بر تأثیر پذیرفتن در شکل‌گیری خود از تعاملات اجتماعی، به آن شکل میدهد و از این روست که فضای شهری به واسطه‌ی محتوی شکل دهنده‌ی خود، مرکز نمادین پایداری ارزش‌های مردمی است که به بیان قدرت خویش می‌پردازند و آن را در فضا متبلور می‌سازند. (ستارزاده و همکاران، ۱۳۸۹)

### فضای شهری

فضاهای شهری، به عنوان عرصه‌های زندگی اجتماعی، بستری برای انجام تعاملات و ارتباطات اجتماعی هستند، در این عرصه‌ها فرصت آن وجود دارد تا کنشگران خارج از عرصه‌های خصوصی و نیمه خصوصی، با دیگرانی که نمی‌شناسند در استفاده از فضا، سهیم شده و در آن فعالیت نمایند. این فضاها با توجه به خاصیت عمومی و اجتماعی که دارند می‌توانند به ساخت و باز تولید مناسبات اجتماعی کمک نموده و باعث تقویت آنها شوند. فضاهای شهری دارای زبانی هستند که می‌توانند با مخاطبان خود، ایجاد ارتباط کرده و کنش و روابط اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار دهند. کوین لینچ اعتقاد دارد فضای شهری صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می‌شود و در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شده و برخوردهای از پیش تدوین نیافته اتفاق افتاده و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم ارتباط برقرار می‌کنند. در فضای شهری است که رفتارهای جامعه جویی و همگرایی شهروندان به منصف ظهور می‌رسد و این رفتارها می‌تواند به تفاهم، پیوند و همبستگی اجتماعی بیانجامد. فضای شهری با تسهیل جریان شهروندی از طریق حس تعلق انسان به محیط (فضای ساخته شده از جنبه کالبدی) و به اجتماع (از طریق تسهیل کنش‌های متقابل انسانها با یکدیگر) حیات مدنی را به کالبد شهر تزریق خواهد کرد. (مدنی پور، ۱۳۸۷) یک فضای شهری را می‌توان بر مبنای رویکردهای مختلف محیطی، جغرافیایی، معماری و ... مطالعه و بررسی

کرد. فضای شهری، عرصه ایفای نقش بازیگرانی است که هر یک به عنوان کنشگرانی از جامعه خود محسوب می‌شوند. نقش‌های مثبت و گاهی منفی، نقش‌های پر رنگ و گاهی کمرنگ، نقش‌های عام و گاهی خاص. فضای شهری به مفهوم صحنه‌ای است که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آن‌ها به وقوع می‌پیوندند. خیابان‌ها، میادین و پارک‌های یک شهر فعالیت‌های انسانی را شکل می‌دهند. این فضاهای پویا در مقابل فضاهای ثابت و بی تحریم محل کار و سکونت اجزای اصلی و حیاتی یک شهر را تشکیل داده. شبکه‌های حرکت، مراکز ارتباطی، و فضاهای عمومی بازی و تفریح را در شهر تأمین می‌کنند (تولایی، ۱۳۸۲). فضای شهری بستر مشترکی است که مردم فعالیت‌های کارکردی و مراسمی را که پیونددهنده اعضای جامعه است، در آن انجام می‌دهند و صحنه‌ای است که بر روی آن نمایش زندگی جمعی، در معرض دید قرار می‌گیرد. فضای شهری فضایی است که در آن با غریبه‌ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکار ما نیستند. محیط ساخته شده می‌تواند روابط اجتماعی را تسهیل کند یا مانع شود و بر آن تأثیرگذار و به نوبه خود از آن متأثر گردد (ماجدی و همکاران، ۱۳۹۰). شهر و فضاهای مختلف آن بستر یا ظرفی هستند برای وقوع انواع فعالیت‌های فردی یا گروهی شهروندان. فضای شهری پدیده‌ای سازمان یافته است از اطلاعاتی که در صورت مختلف فرم، عملکرد و معنا تجلی می‌یابد، بستر شکل‌گیری و ارتقاء زندگی اجتماعی یک جامعه که بیانگر فرهنگ و شیوه‌ی شهرنشینی یک تمدن می‌باشد، فضای شهری عینیتی است برخاسته از تلفیق روابط اجتماعی در بستر کالبدی، در زمینه‌ای معنایی و در راستای عملکردهای مورد نیاز جمعی انسانی (وظیفه دوست و امینی، ۱۳۸۸). فضاهای شهری قابل تقسیم به دو دسته کلی: فضاهای باز و فضاهای بسته می‌باشند. فضاهای عمومی به آن دسته از فضاها اطلاق می‌شود که عموم به آن دسترسی فیزیکی دارند بدون نیاز به اجازه ورود. فضاهای شهری آن دسته از فضاهای باز عمومی اند که در آن تعامل اجتماعی بین شهروندان با هم و با محیط رخ می‌دهد. فضاهای شهری امکان دستیابی به برخوردهای از پیش تدوین نیافته و مشارکت با دیگران را به شهروندان می‌دهد. از این رو فضای شهری ضرورتاً مکانی می‌شود، برای مکاشفه یا به عبارتی حیطه امکانات گوناگون، در فضای شهری انسان به آزمودن آنچه به یک جهان غنا می‌بخشد، مسکن می‌گزینند. هنگامی که گزینش‌ها، در حیطه امکانات به انجام رسید، چهارچوب‌های "توافق" که بالاتر از نمایش دیداری صرف و ساده، نشانگر نوعی پیچیده و جامع از عضویت اجتماعی است، نهاده می‌شود. بدین ترتیب توافق بیانگر ارزش‌ها و منافع مشترک بوده و بنیادهای عضویت اجتماعی و جامعه را می‌افکند، علاوه بر این، توافق می‌باید نیت دستیابی به یک دیدارکده عمومی یا مکانی که ارزش‌های مشترک در آن نگهداری شده و منصف ظهور می‌رسند را نیز در خود بگنجاند. چنین جایی را معمولاً نهاد یا بنای عمومی نامیده‌اند. از این رو، شیوه سکونتی را که در خدمت آن قرار می‌گیرد می‌توان به یاری واژه عمومی مبنی بر آنچه جامعه و عموم در آن سهیم‌اند، «سکونت عمومی» خواند (صفائی نمین و همکاران، ۱۴۰۰).

### فضاهای شهری و شکل‌گیری تعاملات اجتماعی

فضای عمومی شهری، ساختاری سازمان یافته، آراسته، واجد نظم بصورت کالبدی برای فعالیت‌های انسانی است و قابلیت حمل روابط اجتماعی را داراست. فضای عمومی شهری و روابط جاری در آن باهم ارتباط متقابل داشته و از هم تأثیر می‌پذیرد. انسان از طریق روابط اجتماعی به فضا، فرم، عملکرد اهمیت اجتماعی می‌بخشد و سازمان دهی فضا به نوبه خود به تغییر شکل این روابط می‌انجامد. بنابراین ساخت و طراحی فضاهای عمومی شهری به پروسه زندگی اجتماعی تأثیر گذاشته و می‌بایست از نظر جسمی و روانی برای شهروندان کارایی داشته باشد. (حبیبی، ۱۳۷۹). فضای عمومی شهری موفق به ادراک انسان در استفاده از فضا تأثیر می‌گذارد؛ و فضایی مناسب برای حضور انسان فراهم می‌آورد. اما اعتقاد بر این است که فضای کالبدی به تنهایی شرط کافی برای ایجاد حس مکان نیست، بلکه تجربه وقایع و روابط اجتماعی آگاهانه و هدف دار جزئی از فضاست و به تقویت حس مکان کمک می‌کند. وجود فضای عمومی شهری به معنی مشارکت اجتماعی است و می‌تواند به عنوان کانون‌های دیدار و ملاقات و ارتباطات چهره به چهره عمل کند. فضای عمومی شهری بستری برای بیان فعالیت و رفتارهای انسانی است. محلی برای تخیل و واقعیت رفتار انسان‌ها در چارچوب اجتماعی، یعنی رابطه انسان با انسان در محیط‌های کالبدی اجتماعی، اقتصادی و معنوی؛ فضای عمومی هر جامعه نمی‌تواند خالی از روابط و تعاملات اجتماعی باشد. فضای عمومی شهری باید دارای روح

کیفیت و معنا باش که تاثیرگذار در جامعه گردد و رفتارهای اجتماعی را متأثر و آن را در طول زمان رشد دهد، و باعث افزایش تعاملات اجتماعی گردد. فضای عمومی شهری فعالیت را پیشنهاد و در اختیار قرار می دهد و همچنین باید منعطف باشد تا با رفتارهای مختلف تغییر کند و منطبق شود و البته این رابطه دو طرفه است یعنی رفتارهای اجتماعی نیز تغییر می کنند تا با فضای عمومی شهری منطبق شود. (منصور ماهانی، ۱۳۹۴) فضای عمومی شهری به عمق ضمیر ناخودآگاه ما، به خاطره جمعی ما، و بر روابط اجتماعی و فردی ما تاثیر گذار است و به مفهوم وسیع خود، با حضور انسان به عنوان موجودی که آن را درک می کند، شکل می گیرد و درک انسان از فضای شهری، به زمینه های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، روانشناختی و حتی اقلیمی بستگی دارد. مفهوم فضای عمومی موجد حیات مدنی در شهر استوار است، فضاهایی که از آن ها به عنوان نمادی از حضور اندیشه سیاسی-فلسفی جامعه مدنی یاد می شود. فضاهایی که سبب رونق حیات اجتماعی و مدنی شهر شده و به تبع آن اساسی ترین نیاز انسان یعنی نیاز به زندگی اجتماعی و کنش متقابل را مرتفع خواهند نمود. چنین فضاهایی امکان کالبد یافتن اندیشه ها، بروز رفتارهای اجتماعی و شکل گیری مشارکت مردمی را فراهم آورده و روابط شهروندی را تحصیل می نماید؛ و به مکان های کار، تفریح تبادل اطلاعات، تظاهرات اجتماعی-فرهنگی و سیاسی-اقتصادی جامعه تبدیل می شود، مکان بروز مخالفت ها و موافقت ها و نمایش های شهری، مکان برگزاری جشن ها و سوگواری های ملی و مذهبی و دیگر حادثه ها و اتفاقات شهری. (کاشانی جو، ۱۳۸۹)

### تعامل اجتماعی

تعامل اجتماعی به معنای ایجاد رابطه بین دو نفر یا بیشتر است که منجر به واکنشی میان آنها می شود و این نوع واکنش برای هر دو نفر شناخته شده است. بنابراین روابط بدون معنا در زمره ی این تعریف قرار نمی گیرد. البته تعاریف دیگری نیز برای تعاملات اجتماعی وجود دارد. به عنوان نمونه تعاملات اجتماعی و برقراری ارتباط می تواند یک موضوع فیزیکی، یک نگاه، یک مکالمه و ارتباط بین افراد باشد که مستلزم تعریف رویدادها و فعالیت های متناسب و در نتیجه نقش پذیری مردم در فضا و عضویت آنها در گروه ها و شبکه های اجتماعی است. (دانشپور و چرخچیان، ۱۳۸۶) انسان موجودی به شدت اجتماعی است و چنانکه تاجبخش اشاره میکند بدون هیچ شکی نیازمند به داشتن روابط اجتماعی و در واقع در سطح اعلی آن ارضاء تعاملات اجتماعی است؛ تنها در چنین شرایطی انسان خواهد توانست به حیات اجتماعی خود ادامه دهد. (تاجبخش و بحرینی، ۱۳۷۸) محیط شهری و محدوده زندگی شهروندان دائماً پذیرای فعل و انفعالات اندیشیده یا غیراندیشیده مابین کاربران خود خواهد بود؛ بنابراین لزوم توجه به سطح عالی تعاملات اجتماعی در عرصه های عمومی اجتناب ناپذیر است؛ اما از آنجا که پیچیده ترین کنش ها نیز در همین تعاملات اجتماعی بین انسانها ایجاد میشود، انسان در نهاد خود، پذیرای تمام انسانهای دیگر است اما در گذر زمان، قرار گرفتن در جامعه و به علت کسب تجربیات مختلف به میزان زیادی این باورها در وی دچار تغییرات و دگرگونی هایی می شود و فیلترهایی برای نوع تعاملات اجتماعی خود تخصیص میدهد. زندگی انسان بدون تعاملات و روابط اجتماعی غیرممکن خواهد بود، همچنانکه عدم ارضاء برخی نیازها همچون نیازهای اولیه برای او زندگی را سخت و غیر قابل پذیرش میکند. (اکبری مطلق، ۱۳۸۳) تعاملات اجتماعی به مانند یکی از کلیدی ترین مفاهیم علوم اجتماعی و تشکیل دهنده یکی از بنیان های فرهنگی جوامع نوین در کنار عناصری مانند عقلانیت و حاکمیت قانون، در میان اندیشمندان علوم اجتماعی جایگاه ویژه ای به خود "سرمایه های اجتماعی" اختصاص داده است؛ (فوکویاما، ۱۳۸۴) به بیان دیگر، تعاملات اجتماعی یا به عنوان جوهر و بنیان جامعه از طریق فرایند ایجاد ارتباط و اعتماد در جامعه مانع از خودبیگانگی و رشد فزاینده انحرافات اجتماعی گردیده و از طریق ایجاد ارتباط در میان افراد، تعاملات اجتماعی حاصل میشود. (Putnam, 1995)



جدول شماره ۱: عوامل موثر در تعاملات اجتماعی (حسن پور و همکاران، ۱۳۹۷)

### جایگاه تعاملات اجتماعی

سکونتگاه های شهری قبل از مدرنیسم، فضاهای عمومی مانند میدان های شهری و بازارها، به عنوان عرصه ای جهت ارتباطات اجتماعی بوده اند و درحقیقت مکان هایی متشکل از فعل و انفعالات اجتماعی تعداد زیادی از مردمانی که این تعاملات را امکانپذیر علاوه بر این، فضاهای باز در ایجاد حس اعتماد و اطمینان به مردم کمک (Madanipour, 2001) شده اند. می ساختند، قلمداد می میکرده و باعث افزایش حس همبستگی و تعلق در مردم می شوند. درحقیقت این فضاها فراتر از مکانی صرفاً برای حضور منفعلانه هستند پاکزاد(۱۳۸۹) با تفکیک قائل شدن بین فضای عمومی و فضای شهری، تنها آن دسته از فضاها که قابلیت وقوع تعامل و برقراری تعاملات اجتماعی را دارند در درجهای بالاتر و به عنوان فضاهای شهری ارزیابی میکند. در مطالعه ای که روی بیش از هزار فضای عمومی شهری در کشورهای مختلف جهان صورت گرفته است، نشان داده شد که چهار عامل اساسی در سنجش مطلوبیت کیفی وضعیت فضاهای عمومی شهری از اهمیت بیشتری برخوردارند. این عوامل عبارتند از: دسترسی و به هم پیوستگی، قلمرو عمومی را عامل اصلی (Atendt, 1958) آسایش و منظر، کاربری ها و فعالیت های اجتماع پذیر. همچنین هانا آرنه میدان حوزه عمومی را عامل تبدیل جامعه به اجتماع (Zucker, 1970) برونگرایی و زندگی سیاسی و عمومی میدانند. پاول زوکر پیاده روها را عامل ایجاد امنیت و تقویت تعاملات اجتماعی (Lang, 1987) و نه صرفاً محل تجمعی از افراد میدانند. جین جیکوبز بر نقش اجتماعی فضاهای شهری تأکید میکند. اولدنبرگ (۱۹۸۹) عرصه های عمومی شهرها (Whyte, 1980) میدانند. ویلیام وایت را به عنوان مکان سوم (خانه و محل کار را مکان اول و دوم میدانند) تعریف میکند. (کاشانی جو، ۱۳۸۹)

### پیشینه پژوهش

قنبران و جعفری (۱۳۹۳)؛ در تحقیق خود عوامل مؤثر بر شکل گیری تعاملات اجتماعی را قلمرو، ازدحام، خلوت، حس تعلق، امنیت اجتماعی محیطی، حس مکان، اجتماع پذیری فضا، اعتماد اجتماعی، مشارکتی بودن فضا، مراسم مذهبی، طبقه اجتماعی و پایگاه اقتصادی، وجود انواع فضاهای عمومی و پاتوق در محله، فاصله دسترسی و نوع و میزان مراجعه ساکنین از منابع مختلف می دانند و این مولفه ها را در سه دسته اصلی "ساختار اجتماعی سیاسی شهر"، "ساختار کالبدی- فضایی" و "عامل روانی اجتماعی" استفاده کنندگان از فضا، تقسیم بندی کرده اند.

تقوایی و همکاران (۱۳۹۱)؛ بیان می کنند رفتار و کنش اجتماعی شخص در محیط از ویژگی فضای پیرامون زندگی وی تأثیر می پذیرد. بر اساس آزمون همبستگی میان روابط اجتماعی و کیفیت محیط رابطه وجود دارد. کیفیت بالای محیط باعث افزایش روابط اجتماعی می شود و بالعکس. مشارکت افراد در محیط زندگی خود حس تعلق را به همراه داشته و حس تعلق مشترک منجر به برقراری روابط اجتماعی قوی می شود.

میرغلامی و همکاران (۱۳۹۰): برای رسیدن به اهدافی نظیر خوانایی، هویت و جهت یابی به عنوان اهداف شناخت شهر و ایجاد تصویر ذهنی از آن لاینچ ۵ عنصر لبه، محله، راه، نشانه و گره را به عنوان عوامل سازمان دهنده تصاویر ذهنی مردم شناسایی می کند.

بهزاد فر و طهماسبی (۱۳۹۲): در پژوهش شناسایی و ارزیابی مؤلفه های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان های شهری مطالعه مشخص نمود معیارهای عینی چون کیفیت عملکردی و فعالیت پذیری، نفوذپذیری و دسترسی ارتباط مستقیم با تعاملات اجتماعی دارند و به شدت بر تعاملات اجتماعی - تأثیرگذارند، اما معیارهای ادراکی-ذهنی (ایمنی امنیت و خوانایی) ارتباط ضعیفی با تعاملات اجتماعی دارند.

(Rasidiet et al, 2012): در پژوهش دیگری نویسندگان نشان می دهند که ویژگی های طراحی فضای سبز باعث ترویج و در مواقعی مانع تعاملات اجتماعی می شود. ویژگی های طراحی فضای سبز از مؤلفه های فیزیکی که شامل زمین بازی، پیاده راه ها، سرپناه و محل نشستن، محوطه ها، ایستگاه تناسب اندام و میدان های عمومی و مؤلفه طبیعی از زمین و فضای باز، درخت، حیوان و آب تشکیل می شود. در نتیجه این پژوهش تأیید می کند که ویژگی های طراحی فضای سبز فیزیکی و طبیعی سطح تعاملات اجتماعی میان افراد را تحت تأثیر قرار می دهد.

### بحث و نتیجه گیری

باتوجه به موارد بررسی شده متوجه خواهیم شد یک فضای عمومی برای آنکه بتواند برای مردم جذابیت داشته باشد باید ویژگی هایی داشته باشد که از جمله آنها میتوان به مواردی مانند کفسازی مناسب، محصوریت مناسب، دسترسی های مناسب و ورودی های دعوت کننده، طراحی مناسب جداره، مبلمان های مناسب، طراحی جداره و موقعیت قرارگیری آن در شهر اشاره نمود علاوه بر موارد کلیدی اشاره شده موارد روانی تأثیرگذار نیز وجود دارند که سبب محبوبیت یک فضای عمومی می شوند از جمله این موارد میتوان به: احساس امنیت، محصوریت فضا، سرزندگی، انعطاف پذیری، خاطره ساز بودن، قابلیت استفاده توسط همه اقشار جامعه (همه شمولی)، اکتشاف، حس تعلق، ایجاد هویت، خلق رویدادهای اجتماعی و... اشاره نمود؛ بنابراین جهت خلق یک فضای عمومی موفق باید تمامی این موارد را در نظر گرفته و آنها را در طراحی خود استفاده نماییم. همچنین در طراحی فضاها باید به فرهنگ و تاریخ شهری که طراحی در آن صورت میگیرد توجه نمود و اقلیم را نیز در نظر گرفته و با توجه به شرایط آب و هوایی از عناصر متنوعی جهت بهتر شدن فضا استفاده نمود. پژوهش حاضر توصیفی و تحلیلی بوده و به بهبود تعاملات اجتماعی و انسانی به فضاهای شهری کمک شایانی کرده. فضاهای عمومی زیرمجموعه ای از فضاهای شهری محسوب می شوند که وجه اشتراک مهم آنها تعاملات اجتماعی افراد می باشد که ضرورت شکل گیری تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی بر اساس سیاست های نوین شهرسازی در جهت افزایش امنیت و اعتماد عمومی می باشد.

### منابع

- ۱- رضویان، محمدتقی، شمس پور، محمدکاظم، ملاتبارلهی، ۱۳۹۳، کیفیت محیط کالبدی و حس مکان؛ موردشناسی: دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی تهران، نشریه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه ای، شماره ۱۰.
- ۲- سیاوش پور، بهرام، شادلوچهرمی، مجتبی، مولایی رامشه، زهره، ۱۳۹۳، ابعاد تشکیل دهنده حس تعلق به مکان با تاکید بر عوامل کالبدی، اجتماعی و احساسی (ادارک و شناخت)، ششمین کنفرانس ملی برنامه ریزی و مدیریت شهری با تاکید بر مولفه های شهر اسلامی، مشهد مقدس.
- ۳- حبیب، فرح، نادری، سید مجید، جهانشاهلو، لعلا، فروزانگهر، حمیده، ۱۳۹۱، سنجش چارچوب ارزیابی سرمایه اجتماعی در ساختار شهر با تاکید بر نقش فضاهای عمومی؛ نمونه موردی: شهر تهران، مجله هویت شهر، شماره ۱۲.
- ۴- لطفی، امین، سجادزاده، حسن، ۱۳۹۳، ارزیابی تاثیر مولفه های کیفیت محیطی بر الگوی رفتاری در پارک های شهری، مجله

- مطالعات شهری، شماره ۱۱.
- ۵- قلمبردزفولی، مریم، نقی زاده، محمد، ۱۳۹۲، طراحی فضای شهری به منظور ارتقاء تعاملات اجتماعی؛ نمونه موردی: بلوار بین محله ای، مجله هویت شهر، شماره ۱۷.
- ۶- شجاعی، دلارام، پرتوی، پروین، ۱۳۹۴، عوامل موثر بر ایجاد و ارتقاء اجتماع پذیری در فضاهای عمومی با مقیاس های مختلف شهر تهران؛ نمونه موردی: فضاهای عمومی دو محله و یک ناحیه در منطقه ۷ تهران، مجله باغ نظر، شماره ۳۴.
- ۷- منصوری، سید امیر، حبیبی، امیر، ۱۳۸۹، تبیین ارزیابی مولفه های موثر بر ارتقای نقش منظر در پایداری محیط؛ نمونه موردی: رودخانه خشک شیراز، نشریه باغ نظر، شماره ۱۵.
- ۸- کشفی، محمدعلی، حسینی، سید باقر، نوروزیان ملکی، سعید، ۱۳۹۱، نقش فضاهای عمومی ساختمان های مسکونی بلند مرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ نمونه موردی: برج بین المللی تهران، نشریه مدیریت شهری، شماره ۳۰.
- ۹- دانشپور، سید عبدالهادی، چرخچیان، مریم، ۱۳۸۶، فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، نشریه باغ نظر، شماره ۷.
- ۱۰- بهزادفر، مصطفی، طهماسبی، ارسلان، ۱۳۹۲، شناسایی و ارزیابی مولفه های تاثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه ی روابط شهروندی در خیابان های شهری؛ نمونه موردی: سنندج، نشریه باغ نظر، شماره ۲۵.
- ۱۱- ستارزاده، داریوش، نقی زاده، محمد، حبیب، فرح، ۱۳۸۹، فضای شهری، اندیشه ای اجتماعی، نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، شماره ۴.
- ۱۲- مدنی پور، علی، ۱۳۸۷، فضاهای عمومی و خصوصی شهر، انتشارات شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ۱۳- تولایی، نسرين، ۱۳۸۲، نقش مذهب در شکل گیری فضای جغرافیا، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۹.
- ۱۴- ماجدی، حمید، منصوری، الهام، حاجی احمدی، آذین، ۱۳۹۰، باز تعریف فضای شهری؛ مطالعه موردی: محور ولیعصر حدفاصل میدان ولیعصر تا چهارراه ولیعصر، نشریه مدیریت شهری، شماره ۲۷.
- ۱۵- وظیفه دوست، حسین، امینی، مهدی، ۱۳۸۸، بررسی میزان اهمیت شاخص های کیفیت زندگی شهری: از دیدگاه مدیران و متخصصان مدیریت شهری، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، شماره ۳.
- ۱۶- صفائی نمین، رسا، کاردار، سعید، پیرهادی، مریم، صفائی نمین، رسول، سعیدی، فائزه، ۱۴۰۰، ضرورت مناسب سازی فضاهای شهری جهت استفاده معلولان با تاکید بر پیاده راه ها و معابر، کنفرانس ملی معماری، عمران و شهرسازی و افق های هنر اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب، تبریز.
- ۱۷- حبیبی، سید محسن، ۱۳۷۹، مدنی و حیات شهری، هنرهای زیبا، شماره ۷.
- ۱۸- منصوری ماهانی، سوگل، ۱۳۹۴، تاثیر تعاملات اجتماعی بر معماری و فضای عمومی شهری، کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، دوره ۱.
- ۱۹- کاشانی جو، خشایار، ۱۳۸۹، باز شناخت رویکرد نظری به فضاهای عمومی شهری، نشریه هویت شهر، شماره ۶.
- ۲۰- تاجبخش، گلنار، بحرینی، سید حسین، ۱۳۷۸، مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۰۲۶.
- ۲۱- اکبری مطلق، مصطفی، ۱۳۸۳، عوامل ایجاد سرزندگی در فضای شهری، پژوهشکده سپیدار، اربینکا، تهران.
- ۲۲- فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۸۴، سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی، در سرمایه اجتماعی به کوشش کیان تاجبخش، نشر شیرازه، تهران.
- ۲۳- حسن پور، آناهیتا، امیدواری، سمیه، صدرارحامی، محمدحسین، ۱۳۹۷، بررسی عوامل موثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در فضاهای شهری؛ نمونه موردی: میدانچه جلف/ اصفهان، نشریه معماری شناسی، سال اول.
- ۲۴- قنبران، عبدالحمید، جعفری، مرضیه، ۱۳۹۳، ارائه مدل تحلیلی موثر بر ارتقاء تعاملات اجتماعی در میان ساکنان محله مسکونی؛ نمونه موردی: محله درکه تهران، اولین کنگره بین المللی افق های جدید در معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس دانشکده هنر و معماری، تهران.
- ۲۵- تقوایی، علی اکبر، معروفی، سکینه، پهلوان، آسیه، ۱۳۹۱، ارزیابی تاثیر کیفیت محیط شهری بر روابط اجتماعی شهروندان، نقش جهان، شماره ۱.
- ۲۶- میرغلامی، مرتضی، واعظ شهنقی، امیر، رباطی، محمدبشیر، ۱۳۹۰، نشانه شناسی شهری و نقش آن در خوانایی و شناسایی محیط، نقش جهان، شماره ۱.



- 27- Carmona, M. Heath, T. OC,T. & Tiesdell, S. 2003, Pubic place-urban space. NO Hingham : Architectural press.
- 28- Putnam, R. 1995, Tuning in, Tuning out : The strange disappearance of social capital in America. PS : Political science and politics. Vol,28 No,40 PP,664-683.
- 29- Madanipour, A. 2001, Concepts of space. In:Madanipour, A : Hull, A : Healey, P, ed. The Governance of place : space and planning processes. Aldershort : Ashgate, PP, 19-22.
- 30- Arendt, H. 1958,The Human condition. University of chicago. Chicago.
- 31- Zucker, P. 1970, Town and square : from the agora to village green. the MIT press. Mass aclusetts.
- 32- Lang, J. 1987, Creating archite ctural theory : The role of the behavioral sciences in environmental design. New Yourk : van Nostrand Reinhold.
- 33- Whyte, W,H. 1980, The social life of small urban. Spaces, Tuxedo, Maryland : Printers II INC.
- 34- Rasidi, M. Hisam,J. Sad, N. Said, I. 2012, Urban Residents's social Interaction. Journal of social and Behavioral sciences68.